جایزه جلال بین نویسندگان، مردم و صنعت نشر چه اعتبار و کارکردی دارد؟

جایزه سرگردان جلال

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

در آخرین روزهای سال ۱۳۸۴ و واپسین روزهای دولت هشتم حاصل جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای بود که پایه‌گذار جایزه ادبی جلال آل‌احمد شد و قرار شد این جایزه بزرگ‌ترین جایزه ادبی ایران با ارزشی حتی بیش از جایزه کتاب سال، با قدمتی حدود ۲۰ ساله باشد. «نظر به اینکه برگزاری جشنواره‌ها و اهدای جوایز، عامل موثری در مراسم ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های ادبی و هنری به شمار می‌آیند و با توجه به فقدان یک جشنواره ادبی متمرکز و ملی در کشور، طرح اهدای جایزه ملی جلال آل‌احمد، در عرصه ادبیات فارسی» تصویب شد. شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظر داشت «جایزه ملی جلال آل‌احمد با هدف ارتقای زبان و ادبیات ملی- دینی از رهگذر بزرگداشت پدیدآورندگان آثار ادبی برجسته، بدیع و پیشرو» برگزار شود. با مصوبه دیگری که حاصل نشست دیگر اعضای این شورا در آبان‌ماه ۱۳۸۵ بود، مقدمات قانونی برگزاری این جایزه بزرگ ادبی از جمله تعیین هیات‌امنا و ریاست این هیات تکمیل و تصمیم بر این شد که میزان جایزه ۱۱۰ سکه بهار آزادی باشد و مراسم اختتامیه هرسال در سالروز تولد جلال آل‌احمد، یعنی دوم آذرماه برگزار شود. البته جوایز در این سال‌ها به‌خاطر قیمت سکه تغییر کرد و امسال جایزه برگزیده این جشنواره ۴۰۰ میلیون تومان انتخاب شد. اما در این گزارش هم به انتخاب‌های این دوره از جایزه پرداختیم و هم جایزه را از نگاه مردم بررسی کردیم، اینکه چقدر شرایط فراهم می‌شود تا مردم برگزیدگان این جایزه را ببینند و کتاب‌ها به‌واسطه این جایزه خریداری شود.

چرا جایزه ادبی مهم است؟

جوایز ادبی باعث ایجاد فضای سالم برای رقابت و معرفی آثار ادبی برتر می‌شوند، چرخیدن چرخه نشر و کتاب هم یکی دیگر از مزیت‌های برگزاری جایزه ادبی است. وقتی یک جایزه ادبی برگزار می‌شود، انگیزه و اشتیاقی برای نویسندگان به وجود می‌آورد و آنها را ترغیب می‌کند تا اثر خود را معرض قضاوت نگاه‌های دیگر قرار دهند. ترویج کتابخوانی یکی دیگر از اهداف برگزاری جایزه ادبی است که ناخودآگاه باعث می‌شود تا مردم به سراغ کتاب بروند. اما یکی از آسیب‌های که معمولا در کمین جوایز ادبی است اینکه برگزارکنندگانش فارغ از نگاه دغدغه‌مند، سراغ انتخاب یک اثر بروند و نتوانند گفتمان واحدی از آن بروز دهد و کم‌کم به رویدادی تبدیل شود که یک عادت روتین برای برگزاری است. جوایز ادبی متعددی در بخش دولتی و خصوصی داشتیم که بعضی از آنها به همین دلیل تعطیل شدند یا به دلیل اینکه پشتوانه مالی خوبی نداشتند بعد از برگزاری چند دوره محدود متوقف شدند؛ جایزه کتاب سال، جایزه جلال، جایزه پروین، جایزه قلم زرین، جایزه شهید اندرزگو، جایزه انقلاب حوزه، شهید حبیب غنی‌پور، کتاب سال دفاع مقدس، هفت اقلیم مهرگان ادب، گلشیری، یلدا، واو، گردون، گام اول، روزی روزگاری و... از جمله جوایز ادبی این ۴۰ سال هستند، که حتما تعطیل شدن هر کدام دلایل خاصی داشته است و این قابل بررسی است که حذف این جوایز چه تاثیری بر حوزه ادبیات و داستان داشته است. جریان‌سازی در جامعه و ارتقای سلیقه مخاطب عام را هم می‌توان از دیگر اهداف برگزاری جوایز ادبی دانست که باید به آن توجه شود.

در کشورهای دیگر وقتی یک کتاب به‌عنوان برگزیده جایزه ادبی انتخاب می‌شود سریع به چاپ‌های متعدد می‌رسد و در همه سایت‌های فروش کتاب برایش تبلیغ می‌شود و به زبان‌های مختلف ترجمه می‌شود. این یعنی آن جایزه ادبی جریان‌سازی خودش را دارد، چیزی که شاید در کشورمان کمتر به آن توجه کردیم.

مردم می‌بینند؟ جایزه؛ ابزاری تبلیغاتی

به‌طور طبیعی یکی از اهداف برگزاری جوایز ادبی در دنیا معرفی و شناساندن یک اثر ادبی به مخاطبانی وسیع‌تر است. وقتی یک کتاب در یک جایزه ادبی برگزیده می‌شود به اعتبار آن جایزه و کارشناسانی که این جایزه را اهدا کردند کتاب دوستان کنجکاوانه سراغ آن اثر مکتوب می‌روند و سریع به چاپ‌های متعدد می‌رسد. وجیهه سامانی، سال گذشته دبیر علمی جایزه ادبی جلال بود. او در نمایشگاه کتاب امسال در نشستی که به بررسی جوایز ادبی می‌پرداخت درمورد اینکه چقدر جوایز ادبی ایران به اهداف خودشان رسیده‌اند، گفت: «یک‌سری اهداف برای برگزاری جوایز ادبی تعریف شدند مثل اینکه به ترویج کتابخوانی کمک کند یا فضای سالم رقابتی به وجود بیاورند، اما متاسفانه این اهداف در جوایز و جشنواره‌های ادبی ایران کمرنگ شده است، یعنی این جوایز روی زندگی حرفه‌ای نویسنده اثرگذار نیست، روی چرخه نشر و اقتصاد نشر اثر ندارد، فضای نشر را متحول و پویا نمی‌کند، باعث جریان‌سازی در جامعه نمی‌شود. تقریبا کار تمام دبیرخانه‌های جشنواره‌های ادبی تا روی سن اختتامیه و اهدای جوایز تمام می‌شود و با خاموش شدن چراغ جشنواره همه چیز پایان می‌پذیرد؛ درحالی‌که تازه باید کار جریان‌سازی روی آثار برگزیده شروع شود. شاید این جزء وظایف و رسالت‌های تعیین‌شده جشنواره‌ها و دبیرخانه‌ها نباشد که البته خطای راهبردی بزرگی است. چون چندین روز، هفته و ماه عده زیادی درگیر برگزاری یک رویداد ادبی می‌شوند و کارشناسان و منتقدان متعددی وقت و انرژی می‌گذارند تا بهترین و برترین آثار ادبی دوره یا سال گذشته را رصد، بررسی و داوری کنند. هزینه‌های مادی و معنوی زیادی خرج می‌شود تا به یک خروجی درست و کارشناسی‌شده برسند. آن وقت یک‌دفعه همه چیز رها می‌شود. جایزه‌ها داده می‌شود و چراغ اختتامیه خاموش می‌شود و می‌رود تا دوره بعد. درحالی‌که مثل درخت تازه به برگ و بار نشسته، تازه موقع استفاده از میوه‌های این درخت است. جوایز ادبی بدون تاثیر چندان در چرخه نشر و ارتباط با بدنه اجتماع، مسیر خود را می‌رود و جامعه هم مسیر خود را. حلقه اتصال مفقوده‌ای این میان هست که باید آن را پیدا کرد. برگزیدگان جوایز هنوز شناخته نشده‌اند.»

اینکه مردم سراغ آثاری بروند که در جوایز ادبی برگزیده شدند هم موضوع مهم دیگری است که باید به آن توجه کرد. سامانی در مورد این موضوع گفت: «با یک جست‌وجوی ساده در میان رمان‌های شاخص و داستان‌های برگزیده جوایز ادبی چندسال اخیر متوجه می‌شویم با گذشت چندسال به شمارگان خوبی دست پیدا نکرده‌اند و بعضی از چاپ‌ها به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. برای مردم عنوان جوایز ادبی خودمان روی جلد مهم نیست. اما ناشناخته‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین جوایز ادبی غرب در ایران مورد اقبال قرار می‌گیرد. مصداقش فروش بسیار بالای رمان‌های عامه‌پسند ترجمه‌شده چند سال اخیر است که روی جلدشان صرفا زده شده: کتابی از فهرست نیویورک‌تایمز، که این فهرست ملاکش اصلا ادبیات کتاب نیست و ملاکش میزان فروش است. جوایز ادبی در ایران دچار بحران هستی‌شناسانه‌ای شده‌اند که اصلا برای چه برگزار می‌شوند! آیا صرفا از سر وظیفه و اجبار و بودجه‌ای که به آن تعلق گرفته بوده؟ آیا صرفا ابزاری تبلیغاتی برای نهادهای مختلفند؟ آیا اثرگذار بودن یا نبودن این جوایز مورد اهمیت و کنکاش قرار می‌گیرد؟ تا پاسخ درستی برای این سوالات پیدا نکنیم، خروجی هر دوره بر همین منوال روی ورطه تکرار است.»

راهکارهای دیده شدن جایزه از سمت مردم

همیشه شاهدیم که وقتی یک جایزه ادبی اختتامیه‌اش برگزار می‌شود تا فراخوان جایزه بعدی دیگر حرف و حدیثی از آن شنیده نمی‌شود، درحالی‌که بعد از برگزاری اختتامیه تازه باید به آن کتاب‌ها پرداخته شود که چرایی برگزیده شدن‌شان چه بوده است و چه برتری‌ای به نسبت کتاب‌های دیگر داشتند.

این رویکرد کمک می‌کند تا این کتاب‌ها توسط مردم دیده شوند، برخی راهکارهای دیگر که به دیده شدن این کتاب‌های کمک می‌کند به ناشری برمی‌گردد که کتابش در این جشنواره‌ها برگزیده می‌شود که تبلیغات خلاقانه‌ای را برای کتابش درنظر بگیرد. خلاقیت در شناساندن جایزه در بستر اجتماعی، هم به این معنا نیست که فقط به درج نام جایزه روی جلد کتاب اکتفا شود، بلکه باید تمام موقعیت‌های دیداری و شنیداری که در حوزه کتاب فعالیت می‌کنند، به‌گونه‌ای خلاقانه در معرض عنوانی همچون جایزه جلال قرار گیرند. این در معرض قرار گرفتن از تولید برنامه‌های مهم تلویزیون را شامل می‌شود تا توجه کتابفروشی‌ها به این جایزه ادبی، تا با گذاشتن قفسه و میزی مستقل، این کتاب‌های برگزیده را به مخاطبان معرفی کنند. ایجاد فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای حول‌وحوش یک اثر ادبی می‌تواند تا قرار گرفتن این آثار در کتابخانه‌ها شامل می‌شود تا مردم از این باخبر شوند و سراغ این کتاب‌ها بروند. کاری که در همه دنیا انجام می‌گیرد و مثلا بعد از اینکه کتابی در نوبل ادبیات برگزیده می‌شود در همه محافل ادبی و کتابخانه‌های آن کشور، برنامه‌های متعدد برای این کتاب برگزار می‌شود و همین مردم را اقناع می‌کند که سراغ این کتاب بروند.

جایزه‌ای برای جریان‌های ادبی

شانزدهمین دوره جلال با همه فراز و فرودهایش به‌پایان رسید و سعی کرد بالاخره برگزیده‌ای در بخش رمان و داستان بلند که همیشه محل سوال بود، داشته باشد.

وقتی نامزدهای این دوره از جایزه جلال اعلام شد، کارشناسان این حوزه معتقد بودند در دو بخش نقد ادبی و مستندنگاری، با توجه به نامزدهای اعلام‌شده، کتاب‌های مطلوبی انتخاب شدند اما بار دیگر در حوزه «داستان کوتاه» و «رمان و داستان بلند» انتقادهایی مطرح‌شده و عمده نقدها به این سمت است که چرا توجه ویژه‌ای به بخش‌های متنوع و متعدد حوزه نشر در این بخش نشده است.

در بخش «رمان و داستان بلند» ۱۴۷۱ اثر ارزیابی شده‌اند اما وقتی به لیست نامزدهای این بخش نگاه می‌کنیم، کتاب‌هایی از انتشارات‌های صاد، شهرستان ادب، دفتر نشر معارف و سوره مهر هستند که شهرستان ادب در دو بخش نامزد شد و جایزه این بخش هم به یکی از کتاب‌های شهرستان ادب و یک کتاب از نشر صاد اهدا شد. در بخش مجموعه داستان کوتاه ۴۴۳ اثر ارزیابی شده‌اند که کتاب‌هایی از نشر صاد و نشر خزه مورد تقدیر قرار گرفتند.

گلعلی بابایی، دبیر علمی این دوره از جایزه بود و در گفت‌وگویی که با تسنیم در مورد حضور سلیقه‌های فکری مختلف در این جایزه گفت: «انتخاب داوران هر گروه، طبق مصوبه شورای انقلاب فرهنگی، توسط اعضای ۹ نفره شورای علمی و با رای‌گیری علنی انجام می‌شود، بدیهی است که در میان ۹ نفر از عزیزان شورای علمی از همه سلیقه‌های فکری حضور دارند و این مهم را انجام می‌دهند. از طرفی چون داوران از استقلال کامل برخوردارند، نمی‌توانند به‌طور مطلق ادعا کرد که سلیقه‌های فکری، سیاسی، هنری و اجتماعی آنان در انتخاب آثار بی‌تاثیر باشد.»

لاجرم سلیقه و دیدگاه داوران بر انتخاب آثار و همچنین اهدای جوایز ادبی تاثیرگذار است و این هم مربوط به دوره فعلی جایزه جلال نمی‌شود و هر کدام از جریان‌های فکری در دوره‌های مختلف، جایزه جلال را متناسب با دیدگاه‌های خودشان تقسیم می‌کنند. آذرماه ۱۳۹۸ مهدی قزلی به‌عنوان مدیرعامل بنیاد ادبیات داستانی اعلام کرد که در پنج دوره اخیر (دوره هفتم تا یازدهم) آثار منتشرشده از ۲۲ ناشر از جایزه جلال جایزه گرفته‌اند که در این میان آثار «نشر چشمه» چهاربار موفق به دریافت جایزه و آثار نشرهای نی، مرکز، سوره مهر، نیماژ و هرمس هرکدام دو بار و نشرهای دیگر (از بین ۲۲ نشر) تنها یک بار برنده جایزه جلال شده‌اند. در سه دوره اخیر جایزه جلال که در دولت سیزدهم برگزار شد، برگزیدگان این جایزه از بین ۱۹ ناشر بودند که انتشارات سوره مهر، چهار بار، راه‌یار سه بار و نشر صاد دوبار جایزه گرفتند و ۱۶ ناشر دیگر هرکدام یک بار جایزه گرفتند.

دوره برگزاری	هیات علمی	هیات داوران	برگزیده‌ها
دوره ششم سال ۱۳۹۲	احمد شاکری، عباس سلیمی‌نمین، منوچهر اکبری، رسول جعفریان، یحیی طالبیان، عباسعلی وفایی، پروین محمدی‌بدر، راضیه تجار، محمدعلی کاظم‌بیگی	اعلام نشد	ندارد
دوره هفتم سال ۱۳۹۳	محمدعلی مهدوی‌راد، محمدرضا زائری، محمدرضا جوادی، احمد دهقان، صادق کرمیار، محسن کاظمی، حسین پاینده، محمد حنیف، بلقیس سلیمانی	بلقیس سلیمانی، قاسمعلی فراست، حمیدرضا شاه‌آبادی، ابوتراب خسروی، مجید قیصری، محمدجواد جزینی، محمدرضا سنگری، محسن سلیمانی، حسین بیات، جواد محقق، نصرت‌الله محمودزاده، حبیبه جعفریان	«ملکان عذاب» نوشته: ابوتراب خسروی، ناشر: ثالث/«آه با شین» نوشته: محمدکاظم مزینانی ناشر: سوره مهر/«سفر برگذشتنی» نوشته: محمدرضا توکلی‌صابری ناشر: قطره/«زندان الرشید» نوشته: محمدمهدی بهداروند ناشر: سوره مهر/«گشودن» نوشته: حسین پاینده ناشر:
دوره هشتم سال ۱۳۹۴	محمدعلی مهدوی‌راد، محمدرضا زائری، محمدرضا جوادی، احمد دهقان، صادق کرمیار، محسن کاظمی، حسین پاینده، محمد حنیف، بلقیس سلیمانی	محمدرضا بایرامی، عباس پژمان، حسین فتاحی، فیروز زنوزی جلالی، داوود غفارزادگان، محمدجواد جزینی، محمدرضا سنگری، محمد سرورمولایی، مریم حسینی، مسعود کوثری، گلعلی بابایی، کورش علیانی	«پاییز فصل آخر سال است» نوشته: نسیم مرعشی، ناشر: چشمه/«دختر لوتی» نوشته شهریار عباسی، ناشر: مروارید/«آب هرگز نمی‌میرد» نوشته حمید حسام، ناشر: صریر
دوره نهم سال ۱۳۹۵	منیژه آرمین، محمدرضا زائری، محمدرضا جوادی، احمد دهقان، ابراهیم زاهدی‌مطلق، محمد سرورمولایی، ابوتراب خسروی، مجید قیصری، محمدحسین جعفریان	قاسمعلی فراست، حسین فتاحی، یزدان سلحشور، داوود غفارزادگان، غلامعباس عبدی، راضیه تجار، یعقوب آزند، بهمن نامورمطلق، مریم حسینی، مجید حسینی، حمید حسام، حبیبه جعفریان	«لم یزرع» نوشته: محمدرضا بایرامی، ناشر: نیستان/«روباه شنی» نوشته: محمد کشاورز، ناشر: چشمه/«بازار خوبان» نوشته: آرش صادق‌بیگی، ناشر: نگاه
دوره دهم سال ۱۳۹۶	شهریار عباسی، داوود غفارزادگان، ابراهیم حسن‌بیگی، احمد دهقان، ابراهیم زاهدی‌مطلق، حمیدرضا شعیری، مسعود کوثری، محمدعلی مهدوی‌راد، مریم حسینی	محمدرضا بایرامی، ابراهیم زاهدی‌مطلق، علی چنگیزی، محمد کشاورز، محمد حنیف، مصطفی جمشیدی، امیرعلی نجومیان، محمد سرورمولایی، علیرضا نیکویی، مریم براداران، مرتضی سرهنگی، مصطفی رحیمی	«بی‌کتابی» نوشته: محمدرضا شرفی‌خبوشان، ناشر: شهرستان ادب/«این خیابان سرعت‌گیر ندارد» نوشته: مریم جهانی، ناشر: مرکز/«اسم شوهر من تهران است» نوشته: زهره شعبانی، ناشر: مرکز
دوره یازدهم سال ۱۳۹۷	ملوک السادات حسینی بهشتی، محمد حمزه‌زاده، ابوتراب خسروی، ابراهیم زاهدی مطلق، مرتضی سرهنگی، حمیدرضا شعیری، فریدون صدیقی، مجید قیصری	محمد سرورمولایی، بهمن نامورمطلق، امیرعلی نجومیان، یزدان سلحشور، علی چنگیزی، ابراهیم حسن‌بیگی، مصطفی رحیمی، گلستان جعفریان، مریم براداران، محمد حنیف، احمد اکبرپور، محمدرضا شرفی‌خبوشان	«الف لام خمینی» نوشته: هدایت‌الله بهبودی، ناشر: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی/ «رکاب زنان در پی شمس» نوشته: حسن کرمی‌قراملکی، ناشر: استوده/«بلاغت ساختارهای نحوی در تاریخ بیهقی» نوشته: لیلا سیدقاسم، ناشر: هرمس/«زخم شیر» نوشته: صمد طاهری، ناشر: نیماژ/«رهش» نوشته: رضا امیرخانی
دوره دوازدهم سال ۱۳۹۸	محمد سرورمولایی، منیژه آرمین، محمدعلی مهدوی‌راد، شهریار عباسی، حمیدرضا شاه‌آبادی، مریم براداران، مجید قیصری، مهدی قزلی	مرتضی سرهنگی، ساسان ناطق، میثم امیری، مریم حسینی، محمدرضا سنگری، ابوالفضل حری، شهریار عباسی، هادی خورشاهیان، احسان رضایی، خسرو باباخانی، احسان عباسلو، علی‌اصغر عزتی‌پاک	اعلام نشد
دوره سیزدهم سال ۱۳۹۹	ابراهیم حسن‌بیگی، محمدرضا بایرامی، مرتضی سرهنگی، مصطفی جمشیدی، مریم مشرف، حمید حسام، ابوالفضل حری، علی چنگیزی، محمدرضا شرفی‌خبوشان	سعید تشکری، جواد افهمی، علی چنگیزی، داریوش عابدی، راضیه تجار، عبدالمجید نجفی، حمیدرضا شعیری، محمدرضا سنگری، کامران پارسی‌نژاد، مصطفی رحیمی، سعید علامیان، گلعلی بابایی	«فرکانس ۱۱۶۰» (اینجا آبادان؛ صدای مقاومت و ایستادگی) نوشته: فضل‌الله صابری، ناشر: سوره مهر/«گوهر صبر» (خاطرات گوهرالشریعه دستغیب) نوشته: طیبه پازوکی، ناشر: سوره مهر
دوره چهاردهم سال ۱۴۰۰	مرتضی سرهنگی، جواد کاموربخشایش، ابراهیم حسن‌بیگی، مریم بصیری، مریم براداران، کامران پارسی‌نژاد، سعید فخرزاده، محمدرضا شرفی‌خبوشان، محمود جوانبخت	قاسمعلی فراست، اکبر صحرایی، منصور علیمرادی، خسرو باباخانی، یوسف قوجق، هادی خورشاهیان، ابراهیم زاهدی‌مطلق، داود امیریان، مهدی قزلی، محمدرضا سنگری، ابوالفضل حری، علی کاشفی‌خوانساری	«داغ دلربا» نوشته: میثم امیری، ناشر: خط مقدم/«رضانام تا رضاخان» نوشته: هدایت‌الله بهبودی، ناشر: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
دوره پانزدهم سال ۱۴۰۱	محمدرضا سنگری، حسین فتاحی، اکبر صحرایی، حمید حسام، محمد سرشار، سعید فخرزاده، راضیه تجار، وجیهه سامانی، مهدی کردفیروزجایی	خسرو باباخانی و کامران پارسی‌نژاد، جواد محقق، ساسان ناطق، محمود بشیری، ابوالفضل حری، جواد کاموربخشایش، هادی خورشاهیان، یوسف قوجق، محمدعلی رکنی، گلعلی بابایی، بهناز ضرابی‌زاده، مهدی کاموس	«سازمان سیاه بهائیت» نوشته: حمیدرضا اسماعیلی، ناشر: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
دوره شانزدهم سال ۱۴۰۲	سیدمهدی زرقانی، خسرو باباخانی، گلعلی بابایی، گلستان جعفریان، بهناز ضرابی‌زاده، ساسان ناطق، احمد یوسف‌زاده، وجیهه سامانی، فرانک جمشیدی	حمید حسام، جواد کاموربخشایش و جواد کلاته‌عربی، حبیب یوسف‌زاده، مهدی کفاش و محمدعلی رکنی، محمدرضا سنگری، کامران پارسی‌نژاد و احمد شاکری، راضیه تجار، علی‌اصغر عزتی‌پاک و مهدی کردفیروزجایی	«من اعتراف می‌کنم» نوشته: محمد رحمانی، ناشر: ایران/«بیروط» نوشته: ابراهیم اکبری، ناشر: صاد/«غم‌سوزی» نوشته: اعظم عظیمی، ناشر: شهرستان ادب